فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی
شماره 59، پاییز 1391، صفحات 117-144

# ذینفع در دعاوی ناشی از اختراع از نگاه قانون و رویه قضایی[1]

محمود صادقی[2]
مهدی جوهری[3]

**(تاریخ دریافت: 1391/05/07 - تاریخ تصویب: 1391/08/29)**

## چکیده

تشخیص «ذینفع» در دعاوی ناشی از اختراع (Action patent) موضوعی است که کوشش شده است در این مقاله به اختصار تبیین شود. دستیابی به این هدف، مستلزم ارائه مفهوم لغوی واژه ذی نفع و نیز تفاوت آن با کلمات مشابه است و در این راستا قواعد کلی و مقررات ناظر بر حقوق مالکیت صنعتی و همچنین رویه قضایی مد نظر قرار گرفته است. که نتیجه گرفته می شود به طور کلی ذی نفع به شخص یا اشخاصی گفته می شود که در هر دعوای حقوقی از جمله دعاوی ناشی از اختراع در صورت محکومیت خوانده از نتیجه دعوا به نحو شخصی، مستقیم و قانونی بهره مند و منتفع می شوند.

**واژگان کلیدی:** ذینفع، دعوا، دادرسی، اختراع.

1- دلیل عدم استفاده از عنوان دعوای نقض حق اختراع این بوده است که دعوای نقض حقوق اختراع صرفاً از سوی مالک گواهینامه حق اختراع یا قائم مقام قانونی و یا بهره برداران اقامه می شود، لذا شامل دعوایی که از ناحیه غیر مالک اقامه می شود نمی گردد. بنابراین از عنوان دعوای ناشی از اختراع استفاده شده که معنای عامی داشته و شامل کلیه کسانی می شود که به نحوی از انحاء، دعوایی راجع به اختراع خاصی دارند.

3- نویسندهٔ مسئول- دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس. Email: sadegh_m@modares.ac.ir
4- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

**مقدمه**

اصل لزوم درخواست ذینفع در دعاوی، یکی از اصول بنیادین دادرسی اسلامی است (فرحزادی،1379،ص4). درحقوق خارجی شناسایی طرفین دعوا یکی از اساسی‌ترین موضوعات به شمار می‌رود (Corrincare,2004,p.18). از این رو یکی از شرایط اساسی اقامه دعوا ذینفعی خواهان است، در این خصوص ماده 2 قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال 1379 ایران مقرر می دارد «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخصی یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشد» بنابراین دادگاه در صورتی مکلف به رسیدگی است، که نه تنها شخص یا اشخاصی دعوا را طبق قانون، طرح کرده باشند بلکه، علاوه بر آن باید ذینفع در دعوا نیز باشند و در غیر این صورت دعوایشان قابلیت استماع را ندارد و دادگاه با استناد به ماده مذکور قرار عدم استماع دعوا را صادر و اعلام می نماید ( به اعتقاد ما هرچند از حیث آثار بین قرار رد دعوا و قرار عدم استماع دعوا تفاوتی مشاهده نمی شود لیکن تصمیمی که دادگاه به لحاظ ایراد خوانده به ذینفعی خواهان صادر می نماید قرار رد دعوا است (بند1 ماده 84 و ماده89 ق.آ.د.م) و تصمیمی که رأساً در این باره اتخاذ می نماید قرار عدم استماع دعوا می باشد (ماده 2 ق.آ.د.م).

در این رابطه گفته شده، مسموع نبودن دعوا به لحاظ فقدان ذینفعی خواهان به نظر، بر گرفته از حقوق فرانسه است، که فقدان نفع و ایراد مربوط به آن از موجبات عدم استماع دعوا تلقی شده است (شمس، 1378، ص14). زیرا شعار قضایی مبین این قاعده، در زبان فرانسه این است که عدم وجود نفع، عدم وجود دعوا را به همراه دارد ( Pas d' interet' pas d' action) (متین دفتری، 1388،ج211/1). ظاهراً قانونگذار ایرانی به تصور بداهت موضوع، در قوانین، به طور صریح به بیان این امر نپرداخته است که ذینفع به چه شخص یا اشخاصی گفته می شود. این درحالی است که در برخی از مقررات خارجی مربوط به حقوق مالکیت فکری، مانند ماده 4 دستور العمل جامعه اروپا مربوط به ضمانت اجراهای حقوق مالکیت

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

فکری[1] از باب تمثیل اشخاصی را به عنوان ذینفع در دعوا معرفی شده اند ازجمله دارندگان حقوق مالکیت فکری (The holders of intellectual property rights) بهره بردار یا صاحب امتیاز (licensees) سازمان های اداره کننده حقوق جمعی مالکیت فکری، و یا هیأتهای دفاع حرفه ای (professional defence bodies) که به نحو قانونی شکل گرفته اند و مطابق قوانین و مقررات موضوعه، تا حدی حق نمایندگی از جانب دارندگان حقوق مالکیت فکری را دارند. و گفته شده ممکن است آنان به عنوان خواهان عوا شناخته شوند (Seville,2009,p.409).

در هر صورت در دعاوی ناشی از اختراع - به جهت اینکه در ترتیبات قانونی سابق گواهینامه اختراع (Patent) به سهولت صادر می شد- امروزه یکی از دعاوی مهم و مبتلابه دادگاه ویژه رسیدگی به دعاوی حقوق مالکیت صنعتی محسوب می شود و برخلاف دعاوی راجع به سایر شاخه های حقوق مالکیت فکری که در آن اصولاً شناسایی ذینفع کار دشواری نیست، در دعوای ناشی از اختراع نمی توان براین باور بود که شناسایی و تشخیص واژه ی ذینفع امری بدیهی و آسان است کما اینکه اختلاف نظر میان دادگاه های بدوی و تجدید نظر -که شرح آنها خواهد آمد- مؤید همین ادعاست.

مقاله حاضر در چهار مبحث تنظیم گردیده است. در مبحث اول مفهوم لغوی و حقوقی ذینفع و تفاوت آن با واژه های مشابه، در مبحث دوم مفهوم ذینفع به طور کلی در دعاوی حقوقی، مطالعه و در مبحث سوم مفهوم ذینفع در دعاوی ناشی از اختراع بررسی می شود و در مبحث چهارم، به نقل خلاصه ایی از نمونه های آرای صادره توسط دادگاه های رسیدگی کننده به دعاوی حقوق مالکیت صنعتی پرداخته می شود و پس از آن مورد نقد و بررسی قرار می گیرند.

1- DIRECTIVE 2004/48/EC of the europian parlemant and the council of 29 April 2004 on the Enforcement of Intellectual property Rights.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

## 1- مفهوم لغوی و حقوقی ذینفع و تفاوت آن با واژه های مشابه

ذینفع یعنی صاحب نفع و منفعت و از دو کلمه ذی و نفع تشکیل شده و هر دو کلمه عربی هستند. ذی یکی از اسماء سته بوده و به معنای صاحب و مالک است (سیاح، 1375، 518/1). نفع نیز به معنای سود و فایده آمده است (سیاح، 1375،ج17.7/2). در این ارتباط کلماتی همچون «ذیحق»، «مستحق» و «منتفع» وجود دارند، ذیحق یعنی صاحب حق و مستحق مترادف آن می باشد (معین، 1387، ص523). به نظر می رسد که ذیحق بودن رتبه بالاتری از ذینفع بودن باشد، یعنی نفعی است که تثبیت شده است و از حیث منطقی رابطه بین آنها عموم خصوص من وجه است یعنی هر ذیحقی ذینفع است ولی هر ذینفعی الزاماً ذیحق نیست. از این رو، اینکه برخی نویسندگان ذیحق را در معنای ذینفع بکاربرده اند قابل نقد است (حبیبا و شاکری، 1389، ص107) و منتفع، یعنی سود برده شده (معین، همان، ص1084) یا اینکه کسی ازکاری یا چیزی نفع و فایده ببرد (عمید،1374، ص1163). بنابراین منتفع، شخصی است که از یک چیزی مثلاً از نتیجه دعوایی که اقامه شده است به شکلی بهره مند و منتفع شود. برای مثال فرزندان خواهان در صورت حاکم شدن پدرشان، در یک دعوا به طور غیر مستقیم از نتیجه آن بهره مند می گردند، چون اگر به طور مستقیم بهره مند شوند ذینفع هستند، نه منتفع، به همین دلیل بوده است که قانونگذار در ماده 2 ق.آ.د.م از واژه ذینفع استفاده کرده است چون ذینفع به طور مستقیم و شخصی، از نتیجه دعوا بهره مند می شود، لیکن بهره مندی منتفع غیرمستقیم است، بنابراین قانونگذار اختیار اقامه دعوا را به منتفع نداده است. لذا نظر شعبه دوازدهم دادگاه تجدید نظر استان تهران که آنها را در یک دعوای ابطال گواهی نامه اختراع، یکی پنداشته است موقعیت قانونی و حقوقی ندارد.[1]

سؤالی که در این ارتباط مطرح می شود، این است که با توجه به اینکه قانونگذار در بیشتر مواد قانون آیین دادرسی مدنی از واژه خواهان استفاده کرده، آیا به مفهوم ذینفع

1- دادنامه شماره2212...127-89/2/11: «...بر خلاف استدلال وکیل تجدید نظر خواه امکان ابطال هر دو گواهینامه با توجه به استقلال موضوع دو دعوا از یکدیگر، ممکن می باشد و حکماً لازم نیست ثالثی در دعوا به عنوان ذینفع و منتفع از ابطال هر دو گواهی نامه ورود نماید...».

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

است یا خیر، در پاسخ می توان گفت خواهان در لغت یعنی خواهنده، خواستار، آرزومند، مشتاق و کسی که از دیگری چیزی طلب دارد و مدعی است (معین، همان، 469)؛ از منظر حقوقی به معنای مدعی آمده (جعفری لنگرودی،1380،ص257) و مدعی به کسی گفته می شود، که چیزی را از دادگاه به ضرر دیگری می خواهد (همان،ص631). بنابراین، خواهان با ذینفع تفاوت دارد، با وجود این در بعضی از مواد ق.آ.د.م مواردی یافت می شود که قانونگذار خواهان را به معنای ذینفع به کاربرده است مانند مواد 1.7و1.8 ق.آ.د.م، و در بعضی مواد مذکور صرفاً به معنای شخصی که دادخواستی طرح کرده و هنوز ذینفعی او احراز نشده استعمال شده، مانند مواد51، 57،66 و72 ق.آ.د.م، و گاه، از صرف واژه ذینفع استفاده نموده است مانند ماده 31. ق.آ.د.م بر این اساس، به عقیده ما، ذکر واژه خواهان بدون قرینه ای که آن را از معنای اصلی خود دور سازد یعنی شخصی که دعوا یا درخواستی را مطرح ساخته است ولی اگر همراه قرینه باشد، به معنای خواهانی است که ذینفع است. در نتیجه خواهان شخصی است که خواسته ای را مطرح ساخته (Kodiliniye,2009,p.74)، که ممکن است ذینفع یا غیر ذینفع تشخیص داده شود.

## 2- مفهوم ذینفع به طورکلی در دعاوی حقوقی

همانگونه که صاحب نظران اذعان دارند، شناسایی و تشخیص ذینفع همیشه کار آسانی نیست (متین دفتری، 1388، ص211؛ مدنی،1382، ص573). زیرا قانونگذار معیار و شاخصی برای شناسایی ذینفع بدست نداده است. همین امر باعث شده است تا نویسندگان و استادان آیین دادرسی مدنی به زعم خویش معیار و شاخصه ایی برای شناسایی و تشخیص ذینفع ارائه نمایند. برخی گفته اند: منفعت باید فعلیت داشته باشد و زمانی نفع فعلیت دارد که قبل از اقامه دعوا اضرار به وقوع پیوسته و زیان رسیده باشد (متین دفتری،ج1/ 211).

با پذیرش این نظریه، رسیدگی به هر دعوا و در خواستی، مستلزم تصور و احراز ضرر به خواهان است لذا پذیرش اقدامات تأمینی و موقتی، مانند تأمین دلیل و دستور موقت

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

مواجه با مشکل است، چون بعضاً خواهان متحمل ضرری نشده است بلکه برای جلوگیری از ضرر،[1] و تأمین و حفظ ادله برای تدارک دعوای احتمالی آینده صادر می شوند. این درحالی است که بر اساس نظر ما، ملاک و معیار تشخیص ذینفع بر مبنای دعوای اصلی است، یعنی فرض بر این است که اگر دعوای اصلی مطرح شود خواهان منتفع می شود یا خیر، لذا در مورد اقدامات تأمینی و موقتی با مشکل مواجه نمی شویم چون این تأسیسات مستقلاً برای تشخیص نفع لحاظ و در نظر گرفته نمی شوند بلکه با توجه به دعوای اصلی مطرح شده یا مطرح می‌شود، ذینفعی و عدم ذینفعی خواهان تشخیص داده می شود.

برخی دیگر گفته‌اند، ذینفع کسی است که در صورت صدور حکم علیه خوانده نفعی نصیب وی گردد (شمس،1381، ص316). به اعتقاد ما، این نظریه دقیق تر است چون همانگونه که گفته شده، دادگاه نباید به وجود یا فقدان حق اصلی خواهان در دعوایی که مطرح می شود توجه نماید، چه در این صورت دو امر اساسی و متمایز، یعنی ذی نفع بودن خواهان و وجود حق اصلی (ذیحق بودن خواهان) خلط می گردد. در واقع، بررسی وجود یا عدم وجود حق اصلی در زمانی باید شروع گردد که دادگاه شرایط اقامه دعوا، از جمله ذینفعی خواهان را، احراز نموده باشد. بنابراین در بررسی شرط ذینفع بودن خواهان، باید به این نکته اکتفا گردد که آیا، در فرضی که حق اصلی (خواسته) مورد ادعا علیه خوانده اثبات گردد، سودی عاید خواهان خواهد گردید یا خیر. برای مثال در دعوای راجع به اعلام بی اعتباری سند اختراع، در مقام بررسی شرط ذینفع بودن خواهان، دادگاه باید احراز نماید که در صورت صدور حکم بی اعتباری سند اختراع، امتیازی نصیب خواهان خواهد شد یا خیر، در نتیجه چنانچه ذینفع بودن خواهان، یا سایر شرایط اقامه دعوا، موجود نباشد حسب مورد، قرار رد یا عدم استماع دعوا صادر می شود. بنابراین پس از احراز ذینفعی خواهان، دادگاه در خصوص وجود حق اصلی (ذیحق بودن خواهان) شروع به رسیدگی می‌کند. در

1- ماده 60 قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علایم تجاری: «...دادگاه می تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب الوقوع حقوق،...»

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

صورت احراز ذیحقی خواهان، به نفع او، و در غیر این صورت، علیه او حکم صادر می شود. بنابراین ممکن است - و در عمل بسیار شایع است - دادگاهی که ذینفعی خواهان و سایر شرایط اقامه دعوا را احراز و اقدام به رسیدگی ماهوی نموده است، به علت فقدان حق اصلی (ذیحق بودن)، حکم به بطلان دعوای خواهان صادر نماید (همان، ص317).

بر مبنای همین تفکیک بوده است، که قانونگذار برای طرح دعوا به جای واژه ذیحق بودن، از واژه ذینفع بودن استفاده نموده است، و به درستی در بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی واژه ذیحق بودن را به کار برده است؛ برای مثال بند3 ماده 62 ق.آ.د.م مقرر می دارد: «در دعاوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافعی که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می داند...» در این جا همانگونه که قبلاً گفته شد ذیحق یعنی منفعت، تثبیت شده هر چند از دید خواهان، و ماده 13. ق.آ.د.م و دیگر مواد مشابه نیز مبین همین تفکیک است.

مع الوصف منظور از ذینفع در قانون آیین دادرسی مدنی این است که خواهان به طریقی از نتیجه دعوا در صورت محکومیت خوانده به طور شخصی، مستقیم و قانونی منتفع و بهره مند شود. رأی شماره 234 مورخ 75/01/13 یکی از شعب دیوان عالی کشور[1] بر اساس معیاری صادر شده است که مفید همین معناست. و همانطوری که ذکر شد، ذینفع متمایز از واژه ذیحق است. بدین تعبیر، شخصی که اقامه دعوا می کند ابتدا معلوم نیست که ذیحق و مستحق باشد چون بعد از طی فرایند رسیدگی مشخص خواهد شد ذیحق است یا خیر، ولی ذینفع بودن در دعوا یعنی اینکه قاضی به بررسی این امر می پردازد که آیا این دعوا بر فرض ثبوت برای خواهان به طور مستقیم نفع و فایده قانونی دارد یا خیر، اگر داشته باشد ذینفع تلقی می شود و اگر بررسی نماید که در فرض عدم اقامه یا عدم پذیرش دعوا

1- «علی الأصول دعوی باید به طرفیت شخصی مطرح گردد که مستقیماً از آثاردعوی منتفع یا متضرر شود و...»

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

ضرری متوجه خواهان نیست، او را ذینفع تشخیص نداده و در نتیجه دعوای او استماع نمی شود.

## 3- مفهوم ذینفع در دعوای ناشی از اختراع

بر خلاف سایر دعاوی شاخه های حقوق مالکیت فکری (Intellectual property Rights) که علی الأصول تشخیص ذینفع برای قاضی از دشواری خاصی برخوردار نبوده و موارد ابهام یا اجمال را هم آیین نامه اجرایی تا حدود زیادی مرتفع نموده است (بند هـ ماده 1 آیین نامه موضوع ماده 16 قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب سال 83)، در دعوای ناشی از اختراع تشخیص ذینفع، نیاز به دقت و درک صحیح از قوانین و مقررات دارد. در این رابطه، اظهار عقیده شده است، با توجه به ماده 18 قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علایم تجاری مصوب 1386 درخواست ابطال ورقه اختراع برای ذینفع پیش بینی شده است، اما این قانون ملاکی را برای تشخیص ذینفع ارائه نداده است (میرحسینی،1387،ص308). قانونگذار در ماده مذکور و ماده 61 آیین نامه اجرایی آن مصوب سال 87 [1] صرفاً مقرر داشته است که ذینفع حق طرح دعوای ابطال گواهینامه اختراع را دارد؛ در نتیجه تعریفی از ذینفع به دست نداده است و یا حداقل تصریح نکرده که چه شخص یا اشخاصی حق دارند طرح دعوا نمایند؛ به علاوه درموافقت نامه مربوط به جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری که به اختصار تریپس ((Trade Related aspects of Intellectual property Rights(TRIPs) خوانده می شود - و ظاهراً قانون یاد شده از آن الگو برداری نموده- هم اشاره به این موضوع نشده است و همین امر، اختلاف نظر بین دادگاه های بدوی و تجدیدنظر را رقم زده است.

به نظر ما، همان اصل کلی، قابل اعمال در دیگر دعاوی، یعنی بهره‌مندی مستقیم، شخصی و قانونی ذینفع، از نتیجه دعوای اقامه شده، در دعاوی مربوط به اختراع هم حاکم

1- ماده 61 آیین نامه اجرائی همان قانون مصوب سال87: «در صورت درخواست ابطال گواهی نا مه اختراع، ذی نفع می تواند با اثبات یکی از موارد مذکور در ماده 18 قانون دادخواست خود را تسلیم دادگاه صالح مقرر در ماده 59 قانون نماید.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

است. زیرا هر جا قوانین خاص، بیانگر ترتیبات شکلی در خصوص موضوعی ساکت باشند، عمومات و قواعد کلی آیین دادرسی مدنی حاکم خواهد بود.

بعضی از نویسندگان(همان،ص326) معتقدند با توجه به مجموعه قوانین و مقررات حقوق مالکیت صنعتی ایران، صاحب ورقه اختراع یا قائم مقام قانونی وی حق طرح دعوا در موارد نقض را دارد لکن با توجه به عمومات قانونی به ویژه آیین دادرسی مدنی این امر مانع ازآن نیست که اشخاص ذینفع هم قادر باشند مبادرت به طرح دعوای نقض اختراع نمایند، به خصوص اینکه این حق، در قراردادهای تنظیمی بین صاحب ورقه اختراع و دارنده مجوز بهره برداری مورد تصریح نیز قرار گرفته باشد. نیز در تعریف ذینفع آورده اند، اینکه متقاضی ابطال ورقه اختراع در دعوای مطروحه ذینفع است یاخیر، موضوعی است که تشخیص آن به عهده مرجع قضایی است و در نهایت تعریفی به دست داده اند و اظهار عقیده شده: «درمفهوم کلی شخص ذینفع را می توان کسی قلمداد کرد که از بهره برداری اختراعی، که برخلاف قانون ثبت و برای آن ورقه اختراع صادرگردیده است، منع شده باشد» (همان، ص306). با مداقه در مواد قانونی و روح قوانین و مقررات مربوطه همین نتیجه و استنباط بدست خواهد آمد، چون سیاست تقنینی به این امر تعلق گرفته است که اولاً: از مالک گواهینامه اختراع حمایت شود، ثانیاً: حمایت محدود به این است که گواهینامه برابر قانون صادر شده باشد، ثالثاً: جهت تسهیل امور تجاری در فضای سالم و رقابت مشروع تمهیداتی اندیشیده شده است، چنانچه شخصی در دادگاه ثابت نماید که صدور گواهینامه مطابق قانون نبوده یعنی دارای شرایط لازم مصرح در قانون نیست، می تواند بعنوان ذینفع به دادگاه مراجعه و ابطال آن گواهینامه را درخواست نماید؛ برای مثال اگر شخصی برابر مقررات اثبات نماید که او مخترع واقعی بوده و شخص دیگری من غیرحق گواهینامه اختراع دریافت کرده است، دعوایش قابلیت استماع را دارد. نویسنده یاد شده از مالک (صاحب ورقه اختراع) و ذینفع به عنوان اشخاصی که حق طرح دعوا دارند نام برده است و به عبارتی، مالک را در عرض ذینفع قرار داده در حالی که ذینفع برابر قواعد و مقررات

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

آیین دادرسی مدنی مفهوم عامی بوده که مالک را هم در بر می‌گیرد. بنابراین اینکه قانونگذار در قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی صرفاً ذینفع را برای طرح دعوا معرفی، و صالح دانسته به این معنا نیست که مالک حق طرح دعوا ندارد، بلکه هر مالکی ذینفع محسوب می شود؛ در واقع ذینفع گاه مالک است و گاه مالک نیست.

بر این اساس ذکر واژه ذینفع کافی و احاله تشخیص ذینفع به مراجع قضایی، نیز قابل ایراد است؛ چون اولاً ما در مقام ارائهٔ معیاری به قضات برای تشخیص ذینفع هستیم والا اگر قاضی می توانست به راحتی و درستی ذینفع را تشخیص دهد دیگر بحثی در میان نبود. ثانیاً باید تلاش و کوششمان بر این امر استوار باشد که برای شناسایی و تشخیص موضوعات و عناوین حقوقی شاخصه و معیار ارائه کنیم تا حتی الامکان از اختلاف نظر مراجع قضایی جلوگیری شود، مبنای صدور آراء وحدت رویه، نظریات مشورتی قوه قضاییه و اصل قابلیت پیش بینی آراء دادگاه ها،[1] مؤید همین نظر است. به هر حال، با بررسی و دقت نظر در مواد ناظر برحقوق اختراعات از جمله بند (ب) ماده 15، بند (ب) ماده 17 و ماده 18 همان قانون[2] و مواد 40، 44، 59، 60 و61 آیین نامه اجرایی[3] آن، مشاهده می شود که قانونگذار واژگان «مالک»، «ذینفع» و «هرشخصی» را به درستی در جایگاه و موقعیت قانونی خود استعمال نموده است. یعنی در بند (ب) ماده 15 همان قانون که از واژه «مالک» استفاده کرده در صدد بیان آثار حقوقی ناشی از گواهینامه اختراع بوده است که در این فرض ذینفع معنا ندارد، بلکه به دلیل مالکیت دارنده گواهینامه، قانونگذار درآنجا مقرر داشته است «مالک می تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده 17 علیه هر شخصی که بدون

1- این اصل به عنوان یکی از شاخصه های قاعده انصاف در نظام حقوقی کامن لو مورد توجه واقع شده است و منظور این است که منابع استنادی آنقدر برای قاضی روشن باشند که اصحاب دعوا نتیجه دعوا را پیش بینی کنند نه اینکه به جهت روشن نبودن منابع استنادی نتیجه دادرسی از یک قاضی به قاضی دیگری متفاوت باشد (Brown, 1989, p.11).

2- از این پس منظور از همان قانون یعنی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال 86.

3- از این پس منظور از آیین نامه اجرایی آن یا همان، یعنی آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال 87.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

اجازه او بهره برداری های مندرج در بند (الف) را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق او شود، به دادگاه شکایت کند» در بند (ب) ماده 17 همان قانون آمده است، «...در صورتی که مالک اختراع یا هر شخص ذینفع دیگر توضیحی داشته باشند...» این جا هم بحث بهره برداری اجباری از اختراع بوده است که چنانچه در آن رابطه مالک یا ذینفع توضیحی داشته باشد می تواند به کمیسیون مربوطه ارائه نماید. قانونگذار در ماده 18 همان قانون از واژه «ذینفع» به تنهایی استفاده نموده است چون بحث راجع به موارد ابطال گواهینامه صادره است، معذالک به دادگاه اجازه داده شده است، که اگر یکی از شرایط مـــندرج در مواد (1)، (2)، (4)، و صدر ماده (6) همان قانون و بند (ج) آن رعایت نشده باشد، حکم به ابطال گواهینامه اختراع صادر نماید، بنابراین، فرض ناظر به موردی است که گواهینامه ای علی الظاهر وجود دارد ولی مدعی (ذینفع) ادعا می‌کند در صدور این گواهینامه، شرایط قانونی رعایت نشده است. سابقاً قانونگذار همین ترتیبات را در ماده 37 قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب سال 1310 پیش بینی نموده بود. بنابراین به موجب ماده یاد شده خوانده دعوا، مالک ظاهری (یعنی شخصی که من غیر حق گواهینامه اختراع به نام خود کسب کرده است) اختراع است، به علاوه اینکه می‌توان در تفاوت آثار مالک بودن و ذینفع بودن به ماده 61 همان قانون[1] اشاره نمود؛ چه مطابق این ماده قانونگذار اختیار ویژه و خاصی به مالک اختراع داده است. بنابراین ملاحظه می گردد که این مقرره خلاف قواعد کلی قانون آیین دادرسی مدنی است چون قاعده این است «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» (برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

1- ماده 61 همان قانون مقرر می دارد: «در دعوای مدنی راجع به نقض حقوق مالک اختراع در مواقعی که اختراع، فرآیند دستیابی به یک فرآورده باشد، در صورت وجود شرایط زیر، مسؤلیت اثبات این که فرآورده از طریق آن فرآیند ساخته نشده است، به عهده خوانده دعوی نقض حق خواهد بود، در این صورت دادگاه در صورت ارائه اسناد و مدارک، منافع مشروع خوانده دعوی نقض حق را از جهت عدم افشاء اسرار تولیدی و تجاری وی در نظرخواهد گرفت: 1- فرآورده جدید باشد. 2- احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرآیند مزبور ساخته شده و مالک حقوق ثبت شده علی رغم تلاش های معقول نتوانسته است فرآیندی را که واقعاً استفاده شده، تعیین نماید».

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

محقق داماد، 1383، ص51)، یعنی بار اثبات دعوی به دوش خواهـان است، اما قانونگذار به منظور حمایت از حقوق مالک اختراع در فرض مذکور مقرر داشته اثبات اینکه فرآورده از طریق آن فرایند ساخته نشده به عهده خوانده است. مع الوصف همین بس، که مالک اختراع با جمع شرایط مصّرح در ماده مذکور به عنوان خواهان در دادگاه ادعا نماید که خوانده، از طریق فرمول و روش اختراع وی به این فرآورده دست یافته است، برای اثبات ادعای وی کافی است. مگر اینکه خوانده خلاف آن را اثبات نماید، در واقع انقلاب عنوان رخ می دهد «خواهان» به «خوانده» و «خوانده» به «خواهان» تغییر عنوان می دهند، اینهم شاهد مثالی بود، برای اثبات تفاوت بین ذی نفع و مالک چون ذینفع از این امتیاز قانونی برخوردار نمی باشد. نا گفته پیداست، که هر مالک ذینفع است ولی هر ذینفع مالک نمی باشد.

مواد40 و 44 آیین نامه اجرایی، مربوط به مواد 15و16، و ماده 61 آیین نامه اجرایی مربوط به ماده 18همان قانون است و نیاز به توضیح خاصی ندارند؛ لکن مواد59 و60 فرضی را مطرح می کنند که هنوز گواهینامه اختراع صادر نشده بلکه در مرحله تقاضای ثبت اختراع و صدورگواهینامه اختراع است. بنابراین با مواد6 الی 15 همـان قانون مرتبط اند.

قانونگذار در ماده 59 کلمه «هرشخصی» را به کار برده که اعم است از شخص حقیقی و حقوقی؛ چون دراین موقعیت هنوزگواهینامه ای صادرنشده است، تا مالک اختراعی بوجودآید و مشخص شود. و از دیگر سو، اختراعی که هنوز ثبت نشده وگواهینامه برای مالک آن صادر نشده باشد موجب تضییع حقوق احتمالی هیچ شخصی نمی‌گردد تا وی به عنوان ذینفع اعتراض و ادعایی داشته باشد، لذا از واژه های مالک و ذینفع استفاده نشده است؛ ظاهراً استفاده از واژه عام هر شخص، به این دلیل بوده که چون قانونگذار به منظور احراز شرایط قانونی صدورگواهینامه اختراع در ماده 13 همان قانون، سیستم ماهوی

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

(substantive Examine) را پذیرفته است [1] و مقررشده است «...اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از نظر انطباق باشرایط مندرج دراین قانون وآیین نامه آن، بررسی خواهد کرد...» بنابراین، دست مرجع صدورگواهینامه اختراع را، برای هرگونه تحقیق و بررسی، راجع به احراز شرایط قانونی بازگذاشته است؛ طبیعی است هر شخص هر چند ذینفع نباشد، می تواند اطلاعاتی راجع به تقاضای ثبت اختراعی داشته و به مرجع ثبت اعلام نماید.

## 4- مفهوم ذینفع در رویه قضایی

رویه قضایی، که از آن به عنوان حقوق زنده یاد می شود. یکی از منابع حقوق به شمار می رود و می تواند سهم بسزایی، در غنای تنظیم و تدوین لوایح و طرح ها داشته باشد. این منبع که تشکیل شده از آراء دادگاه هاست، در موارد نقص، سکوت، اجمال و تناقض قانون نقش مهمی را بازی می کند (کاتوزیان، 1388، ص196). پیش‌تر گفته شد در دعاوی حق اختراع، قانونگذار صرفاً در ماده 18 همان قانون، مقرر نموده در مواردی، ذینفع حق ابطال گواهینامه اختراع را دارد بدون اینکه سنجه و معیاری برای تشخیص این مهم، ارائه کند. این امر سبب تشتت آراء و اختلاف نظر دادگاه های بدوی و تجدید نظر در خصوص دعوای ابطال شده و نتیجتاً تضییع حقوق حقه اشخاص ذیحق را در پی خواهد داشت.

به باور ما، دادگاهها می توانند با استفاده از اصول کلی و هدف قانونگذار این نقیصه را بر طرف نمایند از اینروی، به لحاظ اهمیت موضوع و ضرورت انجام تحقیق و دادن شکل کاربردی به موضوع در ابتدا، خلاصه ای ازآرای مرتبط، با ذکر شماره پرونده و دادنامه بیان، سپس در فراز دیگری به نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

1- در مقابل این سیستم، سیستم شکلی قرار می گیرد،که مرجع ثبت، صرفاً توجه به رعایت الزامات اداری یا تشریفات مربوطه می نماید.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

## 4-1- پرونده کلاسه (87000047) مطروحه در شعبه سوم دادگاه عمومی (حقوقی) تهران و سپس، شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان تهران[1]

(الف) به وکالت از خواهان ها، دادخواستی به طرفیت خواندگان با وکالت (ب) به خواسته منع خواندگان از تولید، واردات و فروش و پرداخت خسارت با جلب نظرکارشناس و دستور موقت جهت توقیف کالای مشابه تقدیم شعبه سوم دادگاه عمومی (حقوقی) تهران می نماید. متقابلاً خواندگان، دادخواستی مبنی برابطال گواهی نامه ثبت اختراع به شماره.... مورخ 86/2/18 (استنادی خواهان) مطرح می نمایند که دادگاه پس از طی تشریفات قانونی و ختم دادرسی این گونه استدلال و انشاء رأی می نماید: «به دلیل سبق تولید و استفاده از جا کارتی های هوشمند در کشورهای خارجی، به ویژه چین و عرضه آن در بازارهای داخلی قبل از تاریخ ثبت اختراع مذکور، و به لحاظ اینکه، خواندگان دعوای اصلی حسب ادعای خواهان اصلی و نیز اظهارات خویش، مبادرت به ورود کالاهای مشابه نموده اند و به همین اعتبار دعوای تقابل طرح نموده اند، بنابراین نتیجه دعوی ابطال ورقه اختراع، تغییری در وضعیت مالی ایشان ایجاد می نماید مع هذا ذینفع در طرح دعوی تقابل می باشند. مطابق ماده 18 قانون ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجاری حق طرح دعوی را دارند، از طرفی ماده 59 آئین نامه قانون مذکور مصوب 87/11/1 به هر شخصی اجازه اعتراض به تقاضای ثبت اختراع داده است و اشاره ایی به واژه ذینفع ننموده، و لزوم تسلیم اظهارنامه برای ثبت اختراع هم زمان با دعوی اعتراض مقرر در ماده 60 همان قانون، بنا به تصریح صدر ماده اولاً نسبت به معترضی است که ادعای مالکیت نسبت به اختراع را دارد ثانیاً: نسبت به اختراعی است که قانوناً قابل ثبت باشد (قسمت ذیل ماده) و در ما نحن فیه ادعای خواهان دعوای تقابل این است که برابر مواد 1 و4 همان قانون جاکارتی هشدار دهنده موضوع اختراع خواهان اصلی اصولاً قابل

**1**- لازم به یادآوری است، در سیستم اداری کنونی مراجع قضایی(sms)، هر پرونده از بدو تشکیل تا پایان، با یک شماره شناسایی می شود.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

ثبت و حمایت نیست، و ادعای مالکیت آن را هم ندارد تا ملزم به تسلیم اظهارنامه ثبت اختراع شود. بنا به مراتب ایراد وکیل خواهان اصلی، مبنی بر ذینفع نبودن خواهان های دعوای تقابل غیر وارد و مردود اعلام می‌گردد و مستنداً به مواد 1 و2 و بند (ه) ماده 4 و ماده 18 از قانون ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب 1386 و مواد 59 و6. آئین نامه قانون مذکور مصوب 87/11/1 و مواد 198 و 519 ق.آ.د.م حکم به ابطال ثبت اختراع خواهان اصلی به شماره..... در حق خواهان های دعوای تقابل و نیز حکم به رد و بطلان دعوای خواهان اصلی صادر و اعلام می شود." پس از ابلاغ رای، مورد اعتراض (الف) واقع می شود. ملخص لایحه اعتراضیه وی این بوده است: "دادگاه بدوی در تشخیص ذینفع اشتباه کرده، و آن را با واژه منتفع خلط نموده است، برای مثال، فرزندانی که همراه با پدرشان در منزلی سکونت دارند، از منزل متعلق به پدرشان منتفع می شوند و وقتی کسی سند آن را بنام خود جعل، و منزل را به تملک و تصرف خود در آورد، فقط پدرکه ادعای مالکیت دارد می تواند علیه کسی که سند را بنام خود جعل نموده اقامه دعوا نماید و فقط وی ذینفع در طرح دعوای ابطال سند مذکور است و فرزندان حق طرح دعوا برعلیه کسی که سند منزل پدرشان را به نام خود جعل کرده است را ندارند، زیرا ذینفع در طرح چنین دعوایی نیستند گرچه، از نتیجه دعوای پدرشان علیه جاعل سند، و از ابطال سند جعلی منتفع می شوند. و به اعتقاد وکیل تجدید نظرخواه با توجه به بند 1ماده 61 آیین نامه اجرایی، «ذینفع کسی است، که بتواند گواهینامه ثبت اختراعی که قبلاً به ثبت رسانده است را ارائه نماید» پس از ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر، به استدلال اینکه: «به دلیل عدم ادعای مالکیت اختراع و عدم تسلیم اظهار نامه خواهان تقابل، ذینفع محسوب نمی شود و صرف تولید محصول در کشورهای دیگر موجب ذی سمت گردیدن نمی شود»، اعتراض (الف) را وارد تشخیص، و طی دادنامه شماره (737)، رای به نقض دادنامه معترض عنه در موضوع دعوای تقابل، و رد سایر موارد اعتراضی (اعتراض به رد دعوای اصلی) صادر نموده است.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

## 4-2- پرونده کلاسه (8800104) مطروحه در شعبه سوم دادگاه عمومی (حقوقی) تهران و سپس در شعبه دهم دادگاه تجدید نظر استان تهران

در این پرونده (الف) به وکالت از خواهان، دادخواستی به طرفیت خوانده مبنی بر ابطال گواهینامه شماره.... مورخ84/2/10 موضوع اختراع دستگاه بدنسازی کش همراه، به دلیل جدید نبودن، تقدیم دادگاه می نماید، خواهان ادعا نموده که تولید کننده لوازم ورزشی است. و قریب به 15سال است کش بدنسازی موضوع اختراع در ایران تولید می شود به دلیل جدید نبودن اختراع، با استناد به ماده 18 همان قانون، تقاضای ابطال گواهینامه اختراع را می نماید. در مقابل وکیل خوانده، بدون ورود در ماهیت دعوا به ذینفع بودن خواهان ایراد وارد کرده، و عنوان نموده است که چون خواهان ادعای مالکیت موضوع اختراع را ندارد و اظهار نامه نیز تقدیم نکرده است، ذینفع در طرح دعوای ابطال نمی باشد. النهایه دادگاه بدوی به استدلال اینکه: «بنا به مفهوم ماده 60 آیین نامه همان قانون در صورتی که ادعای معترض جدید نبودن اختراع باشد اختراع قانوناً قابل ثبت نمی باشد و نیازی به تسلیم اظهار نامه برای ثبت آن نیست». خواهان را ذینفع تشخیص داده و طی دادنامه شماره (89000077) حکم به ابطال گواهینامهٔ اختراع صادر نموده است.

نسبت به رای صادره درخواست تجدیدنظرخواهی می شود و شعبه دهم دادگاه تجدید نظر استان تهران، با پذیرش درخواست تجدید نظر خواهی به استدلال اینکه: «بر اساس ماده 18 همان قانون صرفاً اشخاص ذینفع می توانند تقاضای ابطال گواهی ثبت اختراع را از دادگاه بنمایند، و در پرونده مطروحه، تجدید نظر خوانده به عنوان خواهان دعوا، ادعایی در مورد مالکیت وسیلهٔ موضوع اختراع را نداشته و اظهار نامه مربوطه را نیز تقدیم ننموده، لذا ذینفع تشخیص داده نمی شود». به موجب دادنامه شماره (8900088) رأی دادگاه بدوی را نقض، و با استناد به مواد84 و 89 ق.آ.د.م قرار رد دعوا صادر و اعلام نموده اند.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

## 3-4- بررسی و نقد آراء

از ملاحظه آراء بدوی و تجدید نظر و لایحه اعتراضیه نکات ذیل قابل توجه و ملاحظه است:

1- دادگاه بدوی در پرونده کلاسه (87000047) به استدلال اینکه سابقه اختراع و تولید محصول مورد ادعا، و اختراع خواهان اصلی، در خارج از کشور محرز است و کارشناس نیز تصدیق نموده است و نظر به اینکه خواندگان دعوای اصلی، حسب ادعای خواهان و نیز اظهارات خویش مبادرت به ورود کالای مشابه نموده اند و به همین اعتبار، خواهان تقابل طرح دعوای نموده، بنابراین نتیجه دعوای ابطال ورقه اختراع تغییری در وضعیت مالی ایشان ایجاد می نماید پس، ذینفع در طرح دعوای تقابل است، حکم به ابطال ثبت اختراع صادر نموده است. لذا مبنا و ملاک رأی، در تشخیص ذینفع این بوده است «چون نتیجه دعوای ابطال ورقه اختراع تغییری در وضعیت مالی ایشان ایجاد می نماید» اگر مقصود دادگاه این بوده است که خواهان به طور شخصی و مستقیم از نتیجه دعوی منتفع و تغییری در وضعیت مالی ایشان ایجاد می نماید، این تشخیص و اظهار نظر، صحیح و وفق موازین قانونی و حقوقی است به نظر می رسد که با التفات به مقدمات استدلال دادگاه، این نظر و استنباط را متبادر به ذهن می نماید، که منظور دادگاه منتفع شدن خواهان به نحو شخصی و مستقیم است.

1- هرچند استدلال دادگاه بدوی، در پرونده های مذکور درست است ولی استناد آن دادگاه، به مواد 59 و60 آیین نامه اجرایی[1] به اعتقاد ما، صحیح نیست. چون همانگونه که

---

1- ماده 59 آیین نامه اجرایی: «هر شخصی که نسبت به تقاضای ثبت اختراع اعتراضی داشته باشد باید اعتراض خود را در دو نسخه به مرجع ثبت تسلیم نماید. پس از ثبت اعتراض نامه، نسخه دوم آن با قید تاریخ و شماره وصول به معترض مسترد می گردد. اعتراض نامه باید همراه با دلایل و مدارک استنادی و رسید مربوط به پرداخت هزینه رسیدگی به اعتراض باشد. چنانچه پس از بررسی اعتراض نامه و مدارک استنادی، تکمیل مدارک منضم به اعتراض نامه ضرورت داشته باشد، مرجع ثبت با تعیین موارد، کتباً از معترض می خواهد که ظرف 30 روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نواقص اقدام نماید. در غیر این صورت، اعتراض نامه کان لم یکن تلقی خواهد شد...»

ماده 60 آیین نامه اجرایی: «هرگاه اعتراض معترض مبنی بر ادعای حق مالکیت نسبت به اختراعی باشد که اظهار نامه ثبت آن تسلیم مرجع ثبت شده است، در صورتی که اختراع قبلاً به نام او ثبت نشده است، باید همزمان با اعتراض، برای اختراع خود مطابق قانون و

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

بحث آن گذشت، مواد یاد شده فرضی را مطرح می کنند که هنوز گواهینامه اختراع صادر نشده است، و در مقام بیان این موضوع بوده اند که اگر شخصی نسبت به تقاضای ثبت اختراع اعتراضی داشته باشد چگونه بایستی اقدام نماید. به این توضیح چنانچه ادعای مالکیت ندارد، باید برابر ماده 59 آیین نامه اجرایی عمل نماید و اگر ضمن اعتراض ادعای مالکیت دارد ناگزیز بایستی وفق ماده 60 آیین نامه اجرایی عمل نماید. بنابراین مصداق این مواد فرضی است که هنوز گواهینامه ی اختراع صادر نشده است، پس موضوع مالکیت و ذینفع بودن معترض، منتفی است. روشن است که در مورد دعوای ابطال گواهینامه اختراع - که طبق مقررات صادر شده است- به دلیل عدم رعایت مقررات و تشریفات صدور آن، نمی توان به آن مواد، استناد نمود. از این رو، این قسمت از دادنامه ها، مورد ایراد و خدشه است و موقعیت قانونی ندارد.

2- ایراد (الف) به وکالت از تجدیدنظر خواهان ها در پرونده کلاسه (87000047) مبنی بر اینکه دادگاه بدوی، بین واژه ذینفع و منتفع خلط کرده، صحیح نیست. مثالی که ایشان برای تبیین و تشخیص واژگان ذینفع ومنتفع آورده اند درست است، ولی نتیجه ایی که گرفته اند غیر از چیزی است که دادگاه استنباط کرده است. در نقد این اظهارات باید گفت، ملاک و

---

این آیین نامه تقاضای ثبت کرده و حق ثبت اظهارنامه و حق ثبت اختراع و تمام مخارج مربوط به آن را تأدیه نماید. مرجع ثبت با رعایت ماده 59 این آیین نامه موظف است ظرف 10 روز از وصول اعتراض، نسخه ای از اعتراض نامه را به انضمام رونوشت مدارک و دلایل استنادی به متقاضی ثبت ابلاغ نماید. متقاضی مکلف است از تاریخ ابلاغ اعتراض نامه پاسخ مکتوب خود را ظرف 20 روز نسبت به اعتراض وارده به مرجع ثبت تسلیم نماید. عدم پاسخ متقاضی به ابلاغ در مهلت مقرر به منزله تمکین وی خواهد بود. هرگاه متقاضی کتباً به اعتراض تمکین نماید در خواست او برای ثبت اختراع مسترد شده تلقی می گردد و مراتب کتباً به معترض ابلاغ می شود تا در صورتی که اختراع وی به ثبت نرسیده است، بر طبق اظهارنامه ای که همزمان با اعتراض تسلیم کرده است نسبت به ثبت آن اقدام کند. در صورت عدم تمکین متقاضی، مرجع ثبت مراتب را ظرف 10 روز به معترض ابلاغ کرده و وی از این تاریخ 20 روز مهلت دارد که اعتراض خود را از طریق مرجع ثبت تسلیم کمیسیون موضوع ماده 170 این آیین نامه نماید. همین ترتیب در موردی نیز باید رعایت شود که اعتراض معترض مبنی بر داشتن برخی حقوق، غیر از حق مالکیت، نسبت به اختراعی باشد که اظهارنامه ثبت آن تسلیم مرجع ثبت شده ولی هنوز در ایران به ثبت نرسیده است؛ مگراینکه اختراع قانوناً قابل ثبت نباشد. در این فرض نیازی به تسلیم اظهارنامه ثبت اختراع به مرجع ثبت نخواهد بود. تصمیم کمیسیون طبق ماده 172 این آیین نامه قابل اعتراض در دادگاه صالح مقرر در ماده 59 قانون است...»

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

معیار در تشخیص ذینفع و منتفع، چگونگی بهره مندی از نتیجه دعواست. اگر خواهان به شکل شخصی و مستقیم از نتیجه دعوا منتفع و بهره مند شود، ذینفع است؛ به این توضیح، در مثال ایشان «پدر» ذینفع است و «فرزندان پدر» منتفع هستند؛ زیرا در دعوای مطروحه، «پدر» به نحو مستقیم و شخصی، از نتیجه دعوا منتفع می شود. ولی «فرزندان وی» به شکل غیر مستقیم، بهره مند می گردند. تشخیص بهره مندی شخصی و مستقیم یا غیر مستقیم خواهان، دشوار نیست، چون اگر پس از طی فرایند رسیدگی، خواهان حاکم شود، دادگاه اینگونه انشای رأی می نماید: «...حکم به محکومیت خوانده به... در حق خواهان صادر و اعلام می شود...» پس در این مثال خواهان هر کسی باشد، بهره مندی وی شخصی و مستقیم است زیرا در رای اسم او عنوان و اعلام می‌گردد و اگر وی فرزندان و همسری داشته باشد به نحو غیر مستقیم و شخصی از نتیجه این دعوا بهره مند می شوند یا به عبارت ساده تر آنان از نتیجه دعوا منتفع می‌شوند.

ملاحظه می گردد در فرض دعاوی اختراع مطروحه مورد بحث، خواهان های تقابل به نحو مستقیم و شخصی بهره مند می شوند. بنابراین استنباط نامبرده، در تشخیص ذینفع صحیح نبوده، چون وی، ذینفع در دعوا را با توجه به بند 1ماده 61 آیین نامه اجرایی، شخصی معرفی می نمایند که بتواند گواهینامه ثبت اختراعی که قبلاً به ثبت رسانده است را، ارائـــه نماید، این استنباط و نظر، نه تنها، از منطوق و مفهوم ماده یاد شده بر نمی آید بلکه، از روح قانون مربوطه و آیین نامه اجرایی آن نیز قابل استنباط نیست، زیرا:

اولاً، با پذیرش استدلال (الف)، مصداقی برای اعمال ترتیبات ماده 18 همان قانون باقی نخواهد ماند. وجود این مقرره را بیهوده می نماید زیرا به موجب آن «هر ذینفع می تواند ابطال گواهینامه اختراعی را از دادگاه درخواست نماید...» و این درخواست نیز منوط به ارائه گواهینامه ثبت اختراع نشده است.

به هر حال، ظاهراً ایشان دعوای نقض حقوق اختراع را با دعوای ناشی از اختراع، خلط کرده اند چون همانگونه که مذکور افتاد، دعوای نقض حقوق اختراع از طریق مالک یا

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

قائم مقام قانونی وی قابل طرح است (بند ب ماده 15 همان قانون) و الزاماً یکی از مدارک مثبت مالکیت گواهینامه یا ورقه اختراع است. اما در دعوای ناشی از اختراع، که از ناحیه ذینفع (غیرمالک) مطرح می شود (ماده 18 همان قانون). ارائه مدارک مثبت مالکیت موضوعاً منتفی است. بنابراین دعوای تقابلی که از ناحیه (ب) مطرح شده، به جهت ادعای مالکیت نبوده، تا لازم آید گواهینامه اختراع ارائه نمایند. بلکه بواسطه ادعای ذینفع بودن بوده، و برابر موارد پیش گفته، این خواسته مطابق موازین قانونی و حقوقی بوده است.

ثانیاً، اینکه قانونگذار صرفاً اعلام داشته، مدارک و اسناد مثبت ادعای ابطال را ارائه نماید، به این معنا نیست که یکی از این اسناد و مدارک الزاماً باید گواهی نامه اختراع باشد؛ زیرا یکی از اسناد و مدارک مثبت ادعای ابطال می تواند ارائه گواهینامه ایی از یک مرکز تحقیقاتی معتبر دال بر جدید و ابتکاری نبودن گواهینامه موصوف باشد (عدم رعایت ماده 2 همان قانون).[1] تا خواهان به وسیله آن اختراع مورد اختلاف را از زیر چتر حمایتی قانونگذار خارج نماید. مگر اینکه اجتهاد در مقابل نص کنیم که این هم موقعیت قانونی و حقوقی نخواهد داشت.

ثالثاً، چنانچه قانونگذار به این موارد مصرح در ماده 61 آیین نامه اجرایی به غیر از بند دوم آن اشاره نمی کردند، نقصی حادث نمی شد چون در بند6 ماده 51 ق.آ.د.م [2] به این موضوع اشاره شده است؛ و از طرفی هم، برابر ماده 189 آیین نامه اجرایی تجدید نظر از آراء محاکم و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در

1- ماده همان قانون: «اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد. ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده مهارت عادی در فن مذکور معلوم وآشکار نباشد و از نظر صنعتی، اختراعی کاربردی محسوب می شود که در رشته ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. مراد از صنعت، معنای گسترده آن است و شامل مواردی نظیر صنایع دستی، کشاورزی، ماهیگیری و خدمات نیز می شود».

2- بند6 ماده 51 قانون آیین دادرسی مدنی: «ذکرادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبته به ترتیب و واضح نوشته می شود و...»

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

امور مدنی و کیفری است، بنابراین از بدیهیات آیین دادرسی مدنی است که مدعی یا خواهان اصل یا رونوشت مصدق اسناد و مدارک اثبات ادعای خود را ارائه نماید.

رابعاً، بند 3 ماده 61 آیین نامه اجرایی، موید ادعای ماست؛ زیرا مقرر داشته، چنانچه دادخواست توسط وکیل ارائه می شود، وکالتنامه نیز تسلیم شود اگر در این آیین نامه اجرایی به این نکته هم اشاره نمی شد، ایرادی نبود چون موضوع تابع عمومات آیین دادرسی مدنی است، لذا نمی توان استنباط کرد که این حتماً یک نوع وکالت خاص مد نظر بوده است.

4- استنباط شعب دادگاه تجدیدنظر در مقام تجدیدنظرخواهی نسبت به هر کدام از دو دادنامه مورد اعتراض، صحیح نبوده، چون این مراجع، به دلیل عدم ادعای مالکیت اختراع و عدم تسلیم اظهارنامه خواهان دعوای تقابل در پرونده کلاسه (87000047) و خواهان اصلی در پرونده کلاسه (8800104) را ذینفع نشناخته اند و بر این مبنا، دادنامه های مورد اعتراض را، نقض نموده اند. در این خصوص نکات ذیل قابل توجه است:

اول: صرف نظر از اینکه، استنباط شعب دادگاه تجدیدنظر از واژه ذینفع به غیر از استنباط (الف) به وکالت از تجدیدنظر خواهان ها در پرونده کلاسه (87000047) بوده، چون نامبرده ملاک ذینفع بودن را ارائه گواهینامه اختراعی می داند که قبلاً به اسم خواهان صادر شده باشد، در حالی که شعب دادگاه تجدید نظر اعتقاد دارند، مالک بایستی ادعای مالکیت داشته باشد، و در این رابطه اظهارنامه خود را تسلیم مرجع ثبت نماید. ظاهراً استدلال آن مراجع، به استناد ماده 60 آیین نامه اجرایی بوده است. همانطوری که شرح آن گذشت، مصداق و مورد این ماده جایی است، که هنوز گواهینامه اختراع صادر نشده، بلکه در مرحله صدور است. حال آنکه موضوع ادعا و خواسته، جایی است که ورقه یا گواهینامه اختراع صادرشده است؛ بنابراین چنین استنباطی از ماده مذکور، صحیح و برابر موازین قانونی نبوده است.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

به علاوه خواهان تقابل در پرونده کلاسه (87000047) و خواهان اصلی در پرونده کلاسه (8800104) ادعای مالکیت نداشته اند فقط مدعی بوده اند که گواهی نامه اختراع به لحاظ جدید نبودن قانوناً قابل ثبت نبوده و می باید باطل شود. از اینرو به این دلیل نیز تکلیفی به ارائه اظهارنامه نداشته اند. چرا که با استناد به قسمت اخیر ماده 60 آیین نامه اجرایی اختراعی که قانوناً قابل ثبت نباشد یعنی شرایط قانونی لازم را برای ثبت نداشته باشد برای مثال اختراع جدید نباشد، کاربرد صنعتی نداشته باشد و یا روش های تشخیص و معالجه بیماری های انسان یا حیوان باشد. و... (مواد 2 و4 همان قانون) معترض تکلیف به تسلیم اظهارنامه به منظور ثبت آن نخواهد داشت، چون اساساً این نوع اختراعات قابل ثبت نمی باشند.

دوم: دادگاه تجدید نظر در پرونده کلاسه (87000047) ذینفع و ذی سمت را یکی پنداشته است این در حالی است که این دو واژه بار معنایی و حقوقی متمایز از یکدیگر را دارند. و دو شرط مجزا برای اقامه دعوا محسوب می شوند (بندهای 5 و10 ماده 84 ق.آ.د.م). ذی سمت، همانگونه که برخی نویسندگان به آن اشاره کرده اند در صورتی مطرح می شود که دعوایی به نمایندگی اقامه شده باشد (شمس،1381،ص469). لذا مرجع قضایی بررسی می نماید، که دعوا اصالتاً اقامه شده، یا به نمایندگی اعم از نمایندگی قانونی مانند ولی قهری، نمایندگی قضایی مانند قیم و یا قراردادی مانند وکیل دادگستری. طبیعی است مرجع قضایی در بدو امر، باید شرط ذی سمت بودن را بررسی نماید و در صورت احراز، آنگاه به شرط دیگر پرداخته می شود که آیا شخص اصیل ذینفع در دعوی است یا خیر؟

بنابراین احراز ذینفع بودن از شرایط و اوصاف شخص اصیل است؛ نه نماینده، چون نماینده؛ به نیابت دعوایی را مطرح می نماید. لذا احراز ذینفعی بودن در مورد شخص ایشان موجبی ندارد، ولی سمتش باید احراز شود، به این دلیل تصور بعضی از نویسندگان (مهاجری،1388،ص 372) مبنی بر یکی بودن ذی سمت و ذینفع بودن در فرضی که شخص بالاصاله اقامه دعوا می کند هم، قابل انتقاد است.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

سوم: در پرونده کلاسه (87000047) ملاحظه می گردد، دادگاه بدوی به دعاوی اصلی و متقابل رسیدگی نموده است، به این توضیح که دعوای اصلی را محکوم به بطلان اعلام کرده و در خصوص دعوای متقابل حکم به ابطال ثبت اختراع خواهان اصلی صادر و اعلام نموده است این در حالی است که دادگاه تجدید نظر صرفاً حکم راجع به دعوای متقابل را نقض نموده و سایر مفاد رای تجدید نظر خواسته را، با رد اعتراض تجدید نظر خواهان، تایید نموده است.

با توجه به قواعد و موازین حقوقی، این گونه انشاء رای نمودن محل ایراد و اشکال جدی است، زیرا: دادگاه بدوی به لحاظ پذیرش ادعای خواهان تقابل مبنی بر ابطال گواهینامه اختراع (مورد استناد خواهان اصلی) دعوای اصلی را محکوم به بطلان اعلام نموده است، آنگاه که دادگاه تجدید نظر دعوای تقابل را مردود اعلام کرده است نتیجه منطقی آن این است که تنها دلیل رد دعوای اصلی بر طرف شده است (اذا زال المانع عاد الممنوع) لذا بایستی در مورد آن رسیدگی ماهوی به عمل می آوردند،[1] نه اینکه سایر موارد اعتراضی تجدید نظرخواهان را رد نمایند و خود را از رسیدگی فارغ بداند و بدین وسیله بر حکم بطلان دعوای اصلی صحه بگذارند. فی الواقع هر چند خواهان دعوای متقابل، به نوعی به هدف خود که اعلام بی حقی خواهان دعوای اصلی بوده، نایل شده، لیکن تکلیف دادگاه بدوی و خواهان دعوای اصلی مشخص نشده است.

## نتیجه گیری

1-تشخیص ذی نفع در دعاوی ناشی از اختراع، همچنان که مورد تصدیق بعضی نویسندگان هم قرار گرفته، دشوار است (میرحسینی، همان، ص308) و این نشان از آن دارد که قانون تا حدودی در این قسمت نارساست.

1- ماده 358 ق.آ.د.م: «چنانچه دادگاه تجدید نظر ادعای تجدیدنظرخواه را موجه تشخیص دهد، رأی دادگاه بدوی را نقض و رأی مقتضی صادر می نماید. در غیر این صورت با رد درخواست و تأیید رأی، پرونده را به دادگاه بدوی اعاده خواهد کرد».

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

2- استنباط دادگاه بدوی درتشخیص ذینفع، چنانچه منظور دادگاه تغییر در وضعیت مالی خواهان به شکل شخصی و مستقیم بوده باشد، صحیح و وفق موازین قانونی و حقوقی بوده است، هرچند دادگاه بدوی پس از اظهارنظر دادگاه تجدیدنظر، در انشاء رأی دیگری، راجع به تشخیص ذینفع که در مقام رسیدگی واخواهی بوده، استدلال دادگاه تجدیدنظر را پذیرفته و حتی ذینفع بودن را با ذی سمت بودن به یک مفهوم دانسته است که احتمال دارد یا دادگاه بدوی استدلال و نظر دادگاه تجدیدنظر را پذیرفته و از نظر خود عدول کرده است، یا به لحاظ جلوگیری از نقض آرای خود بوده است؛ به هر حال این رای و نظر در تشخیص ذینفع، بنابر مطالب پیش گفته نیز مورد ایراد و خدشه است.[1]

3- با توجه به اینکه شعب رسیدگی کننده به دعاوی مالکیت صنعتی دادگاه تجدید نظر استان تهران معدود و محدود هستند نظر دو شعبه ای که اغلب تجدید نظر از آراء موضوع حقوق مالکیت صنعتی در آنجا رسیدگی می شود، در موضوع واحد یکسان و برخلاف نظر تنها شعبه دادگاه بدوی رسیدگی کننده به دعاوی حقوق مالکیت صنعتی است، و به باور ما نظر دادگاه بدوی مبنی بر اینکه «نتیجه دعوی ابطال ورقه اختراع، تغییری در وضعیت مالی خواهان ایجادمی نماید». همانگونه که شرح آن گذشت برابر موازین قانونی و حقوقی است.

4- اغلب در دعاوی ناشی از حقوق اختراع که از جانب مالک و دارنده آن مطرح می شود خوانده ای که خود را ذینفع می داند دعوای متقابل مبنی بر ابطال گواهینامه مطرح

1- رأی دادگاه: «...دادگاه با توجه به محتویات پرونده و اظهارات و مدافعات وکلای اصحاب دعوای نظر به اینکه اختراع راجع به لوله خرطومی آکاردئونی قابل انعطاف و شکل پذیر طی شماره.... مورخ 81/5/13 به نام..... ثبت شده است که مطابق ماده 3 قانون ثبت اختراعات طرح های صنعتی و علائم تجاری واجد حق استفادهٔ انحصاری است و ادعای خواهان ها مبنی براینکه محصول موضوع اختراع خوانده قبل از ثبت وی در خارج ازکشور تولید و نامبردگان واردکننده بوده اند، بنابراین اختراع جدید نیست تا قابل ثبت باشد و با استناد به مواد1و2و4و18 قانون مذکورتقاضای ابطال آن را نموده اند قابل پذیرش نبوده و قابل رد است زیرا نامبردگان ادعای مالکیت آن را ندارند و تولیدکننده محصول موضوع ورقه اختراع نمی باشند و تولید محصول درکشورهای دیگر نیز موجب ذی سمت شدن نامبردگان نخواهد شد، بنابراین به لحاظ ذینفع نبودن در طرح دعوای ابطال با توجه به ماده 18 قانون مارالذکرکه دعوی ابطال اختراع را ازسوی ذینفع قابل پذیرش دانسته، مستنداً به بند1، ماده 84 و 89 از قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد دعوی در پرونده های کلاسه.... و... صادر و اعلام می گردد...»

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

می نماید، یعنی می خواهد با این اقدام، نه تنها بی حقی خواهان را به اثبات برساند بلکه مالکیت خود را بر گواهینامه اختراع نیز به اثبات برساند و معمولاً خوانده دعوای تقابل، به لحاظ عدم ارائه گواهینامه ثبت اختراع، ایراد عدم ذینفع بودن خواهان دعوای تقابل را مطرح می نمایند، ناگفته پیداست چنانچه خوانده دعوای اصلی به جای طرح دعوای تقابل، پاسخ دعوا را در قالب دفاع ماهوی مطرح می نمودند و برای مثال بیان می کردند که خواهان حقی نسبت گواهینامه اختراع استنادی ندارد و از دادگاه تقاضای حکم بر بی حقی خواهان می کردند قطعاً دادگاه نمی توانست این خواسته و تقاضا را اجابت نماید زیرا گواهینامه ثبت اختراع یک سند رسمی است (ماده 1288 قانون مدنی)، و مادامی که این سند باطل نشده است مراجع قضایی مکلفند به آن اعتبار دهند و قضاتی که از اعتبار دادن به اسناد ثبت شده استنکاف نمایند در دادگاه انتظامی تعقیب می شوند (ماده 73 قانون ثبت اسناد و املاک کشور مصوب1310)، در نتیجه خوانده دعوای اصلی، ناگزیر است که به موجب دادخواستی و طی فرایند دادرسی گواهینامه اختراع را باطل نماید. درست است که معمولاً خواسته ابطال به موجب دادخواست تقابل مطرح می شود بدیهی است این امر مانع از آن نیست چنانچه شخص ذینفعی متوجه شود اختراعی که متعلق به اوست، دیگری من غیر حق به اسم خود ثبت، و الان در حال بهره برداری از آن است نتواند به موجب دعوای اصلی تقاضای ابطال آن گواهینامه اختراع نماید. مشاهده شد که پرونده کلاسه (8800104) براین اساس تشکیل شده بود.

5-و به طور کلی می توان گفت: همیشه این گونه نیست که قانون خوب، ما را به اجرای عدالت نزدیکتر می کند، بلکه استنباط صحیح از قانون بخش عظیمی از این رسالت را عهده دار است، قانون هرچه قدر خوب باشد ولی چنانچه به طور دقیق بکار نرود نتیجه ی در بر نخواهد داشت.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

**پیشنهاد:**

باتوجه به اینکه درتشخیص ذینفع در رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد قانونگذار دربازنگری یا اصلاح قانون تعریفی از ذینفع ارائه نماید، یا اینکه مراجع ومسئوولین مربوطه درآیین نامه اجرایی یا تعریفی از ذینفع بودن یا مصادیقی از آن را ارائه نمایند که این کار هم مسبوق به سابقه بوده است (بند هـ ماده 1آئین نامه موضوع ماده 16 قانون حمایت از نشانه های جغرافیای مصوب سال83).

## فهرست منابع

### الف- منابع فارسی

1- امیری، حسن علی، (1388)، **اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

2- امانی، تقی، (1387)، **قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری (ملی و بین المللی)**، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهنامی.

3- بازگیر، یدالله، (1377)، **آراء دیوان عالی کشور در امور حقوقی**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.

4- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (1380)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.

5- جوهری، مهدی، (1390)، **مقایسه دعوای رفع تصرف عدوانی با خلع ید**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فکرسازان.

6- حبیبا، سعید؛ شاکری، زهرا، (1389)، **تدابیر مرزی در حمایت از حقوق مالکیت فکری**، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 57، صص87 و113.

7- رئیسی، لیلا، (1388)، **نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت فکری**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

8- سیاح، احمد، (1375)، **فرهنگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد**، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات اسلام.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

9- شمس، عبدالله، (1381)،**آیین دادرسی مدنی**، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشرمیزان.

10- شمس، عبدالله، (79-78)، **جزوه آیین دادرسی مدنی تطبیقی**، دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.

11- عمید، حسن، (1374)، **فرهنگ عمید**، چاپ پنجم، تهران، نشر موسسه انتشارات امیرکبیر.

12- فرحزادی، علی اکبر، (1379)، **معرفی اجمالی اصول بنیادین در دادرسی اسلامی**، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، شماره های 19 و20، ص 37.

13-کاتوزیان، ناصر، (1388)، **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، چاپ هفتاد و یکم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.

14- میرحسینی، سید حسن، (1385)، **مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر میزان.

15- میرحسینی، سید حسن، (1387)، **حقوق اختراعات**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

16- مهاجری، علی، (1388)، **مبسوط در آیین دادرسی مدنی**، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکر سازان.

17- مهاجری، علی، (1390)، **قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی**، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر سازان.

18- متین دفتری، احمد، (1388)، **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی**، جلد اول، چاپ سوم،تهران، انتشارات مجد.

19- محقق داماد، سید مصطفی، (1383)، **قواعد فقه بخش قضایی**، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

20- مدنی، سیدجلال الدین، (1382)، **آیین دادرسی مدنی**، جلداول، چاپ اول، تهران، انتشارات پایدار.

21- معین، محمد، (1387)، **فرهنگ فارسی معین یک جلدی**، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگی نما با همکاری انتشارات کتاب آراد.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]

22- نوکنده ای، عزیز، (1380)، **تفسیر قضایی آیین دادرسی مدنی ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانش نگار.

23- واحدی، قدرت الله، (1379)، **بایسته های آیین دادرسی مدنی**، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر میزان.

**ب- منابع لاتین**

1- Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs Agreement 1994).

2- Brown, (1989) w.j., **GCSE LAW**, Forth Edition, London, Sweet and Maxwell.

3- Corrin Care, Jennifer, (2004), **civil procedure and courts in the South Pacific**, First published in Great Britain.

4- Heath,Christopher and Kamperman sanders, Anselm, (2005), **Studies in Industrial property and Copyright Law**, Hart Publishing Oxford and Portland,Oregon.

**5-** Kodilinye, Gilbert and Kodilinye, Vanessa, (2009), **COMMONWEALTH CARIBBEAN CIVIL PROCEDURE,** Third edition first published in, by Routledge-Cavendish**.**

6- Loughlin, Paula and Gerlis, Stephen, (2004), **CIVIL PROCEDURE**, Second edition first published in Great Britain.

7- Seville, Catherine, **EU Intellectual Property Law and Policy**, Published by Edward Elgar Publishing Limited, 2009.

[ Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2026-09-24 ]